

نهم اسفند؛ گذار از «حمایت عاطفی» به «حمایت ساختاری» در اقتصاد ایران

غلامعلی رموی
کارشناس اقتصادی

نهم اسفندماه در تقویم رسمی ایران عزیز به عنوان «روز ملی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان» ثبت شده است. اما برای ناظر اقتصادی، این مناسبت بیش از آنکه جشنی برای تکریم شهروندان باشد، مجالی برای کالبد شکافی یک «غفلت نهادی» است. پرسش بنیادین این است: چرا علیرغم وجود قانون مصوب ۱۳۸۸ و نهادهای نظارتی متعدد، مصرف‌کننده ایرانی همواره خود را در موضع ضعف، بازنده کیفیت و گروگان قیمت می‌بیند؟

پارادوکس حمایت: وقتی دولت به جای داور، بازیکن می‌شود

در کشورهای توسعه‌یافته، پارادایم حمایت از مصرف‌کننده بر سه ستون «رقابت کامل»، «مسئولیت مطلق تولیدکننده» و «تقارن اطلاعاتی» استوار است. در مقابل، مدل ایرانی حمایت، بر پایه «مداخله در قیمت‌گذاری» بنا شده است. از منظر اقتصاد سیاسی، بزرگترین دشمن مصرف‌کننده در ایران، نه لزوماً «گران‌فروشی»، بلکه ساختار «بازار انحصاری» است. ادامه در همین صفحه

فرصت امروز

برای کسب و کار آفرینی

کارت سوخت به کارت بانکی وصل می‌شود؟

پشت پرده یک تغییر بزرگ در بنزین

فرصت امروز: در ایران بنزین فقط یک کالا نیست؛ یک شاخص حساسیت اجتماعی است. هر تغییر در سازوکار توزیع، هر خبر درباره کارت سوخت، و هر شایعه درباره سهمیه یا قیمت، سریع وارد گفت و گوی روزمره می‌شود و به رفتار اقتصادی مردم شکل می‌دهد. دلیلش هم روشن است: بنزین مستقیماً به هزینه رفت و آمد، حمل و نقل کالا، قیمت خدمات...

اقتصاد خانواده در تله اسفند

فرصت امروز: اسفند در اقتصاد ایران همیشه ماه «جمع بندی» است؛ جمع بندی حساب و کتاب خانوار، جمع بندی فروش کسب و کارها، و جمع بندی انتظاراتی که برای سال بعد شکل می‌گیرد. اما اسفند امسال یک تفاوت مهم دارد: مردم کمتر درباره «چی بخرم» حرف می‌زنند و بیشتر درباره «چه چیزی را نخرم». این تغییر لحن، نشانه یک فشار همزمان است؛ فشار هزینه‌های ثابت مثل اجاره و قبوض، فشار خوراکی‌ها و اقلام روزمره، و فشار روانی ناشی از بی ثباتی قیمت‌ها. نتیجه این می‌شود که حتی خبرهای مثبت یا آرام‌کننده هم در ذهن جامعه «کم اثر» می‌شود، چون بخش بزرگی از ترس، مربوط به فرداست نه امروز. **اجاره ترمز کرد، اما بارش از دوش مستاجر نیفتاد**

در ماه‌های اخیر تیرها از کند شدن تورم اجاره می‌گویند و عددها هم این را تایید می‌کنند؛ تورم ماهانه اجاره در بهمن حدود ۲.۲ درصد و تورم سالانه اجاره حدود ۲۴.۷ درصد گزارش شده و تورم نقطه به نقطه اجاره هم به محدوده ۲۲.۳ درصد رسیده است. اما همین عددها دو روایت دارد. روایت اول این است که شیب رشد اجاره...

۳ طلا و بازی بزرگ نرخ بهره و جنگ:

کدام عامل تا ۲۰۲۶ دست بالا را دارد؟

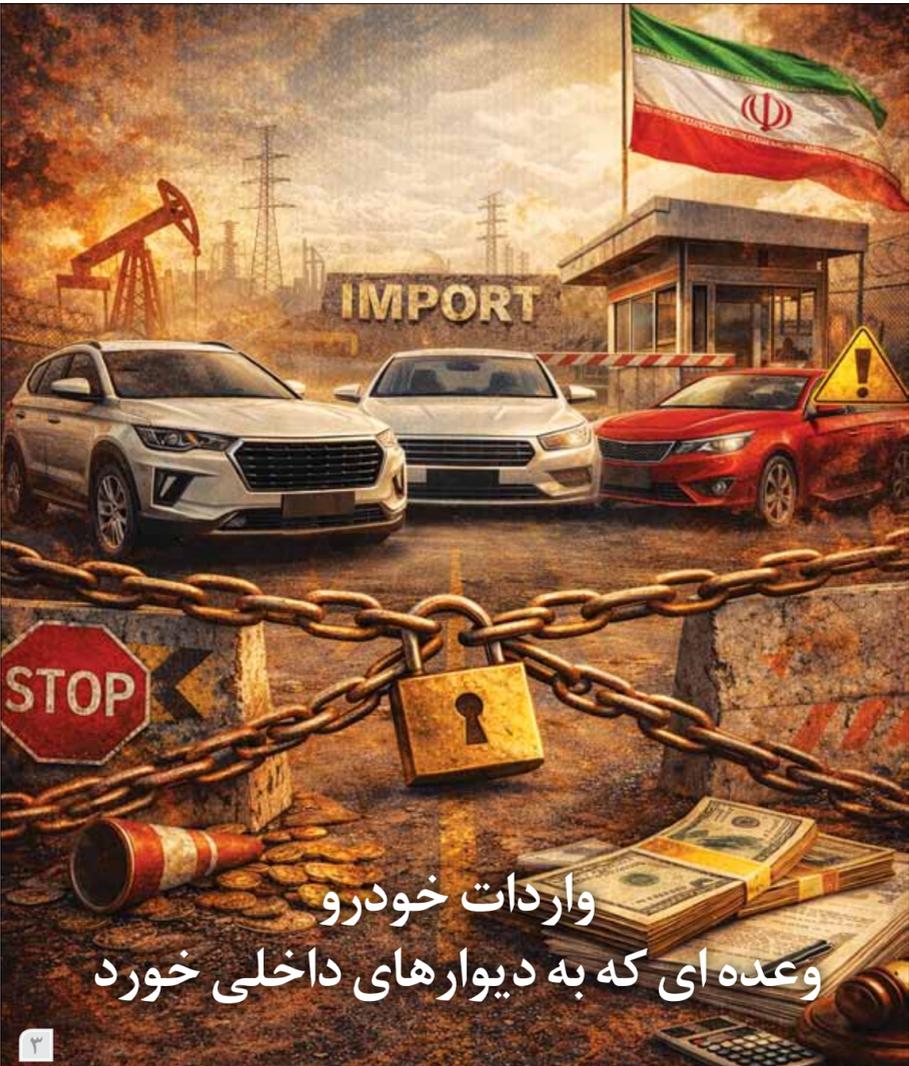
۶

مدیریت و کسب و کار

مانیفست تیم‌های بازاریابی بدون مرز

تصویر کلاسیک یک تیم ورزشی را در ذهن بیاورید. هر بازیکن یک موقعیت مشخص و یک شرح وظیفه دقیق دارد. مدافع، از دروازه محافظت می‌کند، مهاجم، گل می‌زند و هافبک، این دو را به هم متصل می‌کند. این یک سیستم منطقی، قابل پیش‌بینی و مبتنی بر تخصص است. برای دهه‌ها، دپارتمان‌های بازاریابی نیز با همین منطق صنعتی طراحی می‌شدند. متخصص سئو، مانند یک مدافع، از جایگاه سایت در موتورهای جست‌وجو محافظت می‌کرد، مدیر تبلیغات پولی، مانند یک مهاجم، به دنبال جذب مشتریان جدید بود و تیم محتوا نقش هافبک را در تغذیه این دو ایفا می‌کرد. اما در زمین بازی کسب و کار امروز، این مدل دیگر کار نمی‌کند. چرا؟ چون توپ، یعنی مشتری، دیگر در یک مسیر مستقیم و قابل پیش‌بینی از دفاع به حمله حرکت نمی‌کند. او در یک مسیر زیگزاگی، غیرخطی و گاهی کاملاً غیرمنطقی در سراسر...

۸



واردات خودرو وعده‌ای که به دیوارهای داخلی خورد

۳

نهم اسفند؛ گذار از «حمایت عاطفی» به «حمایت ساختاری» در اقتصاد ایران

حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان. ۳. طبیعیان، محمد، آزادی اقتصادی و حقوق شهروندی، فصلنامه اقتصاد و مدیریت. ۴. Akerlof, George A. (1970). "The Market for Lemons: Quality Uncertainty and the Market Mechanism", Quarterly Journal of Economics. ۵. Thaler, Richard H. "Improving Decisions About Health, Wealth, and Happiness", Yale University Press. ۶. OECD (2022). "Consumer Policy Toolkit". European Commission; "New Deal for Consumers Directive".

۲. حاکمیت پلتفرم‌های اعتبارسنجی: دولت باید به جای نظارت مستقیم، زیرساخت فعالیت انجمن‌های مستقل و پلتفرم‌های رتبه‌بندی مردمی را فراهم کند تا «اعتبار برند» به دارایی اصلی تولیدکننده تبدیل شود. ۳. رفع انحصار: هیچ قانونی به اندازه «آزادی واردات» و «رقابت»، حامی حقوق مصرف‌کننده نیست. نهم اسفند را باید روز مطالبه برای «شفافیت اطلاعاتی» نامید. تا زمانی که اقتصاد ما از وضعیت «ایموی» خارج نشود، حقوق مصرف‌کننده تنها آرایه‌ای در لابلای صفحات قانون باقی خواهد ماند. منابع و مراجع: ۱. نیلی، مسعود، اقتصاد ایران و معماهای توسعه‌نیافتگی، نشر نی. ۲. مرکز پژوهش‌های مجلس؛ آسیب‌شناسی اجرائی قانون

است که شرکت‌های بزرگی مثل Apple یا Volkswagen بابت کوچکترین نقص، فراخوان‌های جهانی صادر می‌کنند. اما در ایران، هزینه زمان و انرژی صرف شده در راهروهای سازمان‌های مربوطه، اغلب از ارزش خود کالا بیشتر است. این «تاکرآمدی دادرسی»، چراغ سبزی به متخلفان برای ادامه کم‌فروشی و تنزل کیفیت است.

چه باید کرد؟

برای رونق واقعی حقوق مصرف‌کننده، باید از مسیرهای تکراری بازرسی‌های فیزیکی و جریمه‌های ریالی ناچیز عبور کرد:

۱. جرم‌انگاری اقتصادی: جریمه‌ها باید بر اساس درصدی از «گردش مالی» باشد تا برای غول‌های صنعتی معنادار شود (مشابه مدل European Union Consumer Protection).

چون مصرف‌کننده ابزار کارآمدی برای تفکیک کالای باکیفیت از بی‌کیفیت (در لایه‌های فنی) ندارد و جریمه‌های قانونی برای تولیدکننده «متقلب» بازدارنده نیست، تولیدکننده اصل که هزینه کیفیت را می‌پردازد، تدریجاً از بازار خارج می‌شود. نتیجه، بازار اشباع از کالاهای «ایموی» (بی‌کیفیت اما پرزرق‌وبرق) می‌گردد. در واقع، حمایت‌های ظاهری دولت از تولید به قیمت ذبح کیفیت، مصرف‌کننده را در یک «قمار خرید» دائمی گرفتار کرده است.

هزینه مبادله؛ مانع بزرگ عدالت

چرا مصرف‌کننده ایرانی امیدی به شکایت ندارد؟ پاسخ در «هزینه مبادله» (Transaction Cost) نهفته است. در نظام‌های نوین قضایی، فرآیند اعاده حق به قدری سریع و کم‌هزینه

وقتی دولت با ایجاد دیوارهای تعرفه‌ای بلند و ممنوعیت واردات، رقابت را سرکوب می‌کند، عملاً «حق انتخاب» را از شهروند سلب کرده است. در این شرایط، تولیدکننده (به‌ویژه در صنایع خودروسازی و لوازم خانگی) نیازی به جلب رضایت مشتری برای بقا نمی‌بیند. قانون حمایت از مصرف‌کننده در ایران به دلیل فقدان رقابت، عملاً به یک «توصیه‌نامه اخلاقی» تقلیل یافته است.

تله «بازار لیموها» در اقتصاد ملی

حرف جدیدی که باید در ادبیات سیاست‌گذاری ایران شنیده شود، تطبیق نظریه «بازار لیموها» (The Market for Lemons) اثر جورج آکروف با واقعیت‌های امروز ماست. در شرایط تورم مزمن و خلأ نظارتی، ما با پدیده «انتخاب معکوس» مواجهیم.

فرصت امروز: بورس تهران هفته گذشته را با نوسان شدید شروع کرد و با وجود یک برگشت در روزهای پایانی، در جمع بندی هفتگی نتوانست کاملاً از زیر سایه احتیاط خارج شود. بر اساس جمع بندی گزارش‌های هفتگی بازار، شاخص کل در پایان هفته اول اسفند ۱۴۰۴ با افت ۲.۴۴ درصدی به محدوده ۳۰۷۱۳۰۰۰ واحد رسید و شاخص هم وزن هم با افت ۲.۸۶ درصدی تا محدوده ۹۵۲۰۰۰ واحد عقب نشست؛ یعنی فشار فروش فقط روی چند نماد بزرگ متمرکز نبود و بدنه بازار هم همزمان تضعیف شد.

تصویر کلی هفته؛ سقوط تند ابتدا، سپس نوسان فرسایشی مسیر هفته شبیه یک حرف V ناقص بود. در روز اول ریزش‌های سنگین زد و بعد بازار وارد فاز رفت و برگشت شد. در یکی از روزهای ابتدایی هفته (یکشنبه ۳ اسفند)، شاخص کل ۸۵،۱۴۲،۶۰ واحد (۲.۳۰ درصد)

فرصت امروز: بازار نفت در هفته گذشته شبیه یک مسابقه فرسایشی بود؛ نه آن قدر آرام که معامله‌گرها بتوانند با اطمینان موقعیت بگیرند و نه آن قدر یک طرفه که روند مشخص بسازد. موتور اصلی نوسان‌ها هم یک عامل کلاسیک بود: ریسک ژئوپلیتیکی خاورمیانه، این بار با محور مذاکرات ایران و آمریکا. از ابتدای هفته، هر خبر از پیشرفت یا توقف گفت و گوها بلافاصله در «پرمیوم ریسک» نفت ترجمه شد؛ یعنی همان چند دلار اضافه قیمت که بازار برای احتمال اختلال در عرضه یا تنش نظامی روی هر بشکه حساب می‌کند. نتیجه این شد که برنت بخش قابل توجهی از روزها را اطراف مرز ۷۰ دلار با نوسان‌های رفت و برگشتی گذراند و با وجود جهش‌های مقطعی، در مقیاس هفتگی تصویر «تقریباً بدون تغییر» ساخت.

در میانه هفته، بازار دو سیگنال متضاد گرفت. از یک طرف گزارش‌هایی از ادامه گفت و گوها و تمدید مذاکرات

از ریزش‌های سنگین ابتدای هفته تا جمع شدن شاخص در پایان

بورس هفته گذشته روی موج ترس و امید

افت کرد و روی ۳۰۶۱۸،۴۸۰.۹۵ واحد نشست؛ همان روز شاخص هم وزن هم ۱۷۰،۶۴۰.۱ واحد (۱.۷۸ درصد) پایین آمد و به ۹۴۱،۶۹۶.۱۴ واحد رسید. این ریزش‌ها به زبان ساده یعنی بازار در شروع هفته با شوک عرضه روبه‌رو بود و هر تلاش برای برگشت با عرضه‌های تازه مواجه می‌شد.

پایان هفته چه شد؛ چرا با وجود برگشت، کارنامه منفی ماند در روزهای پایانی هفته، بازار یک حرکت اصلاحی رو به بالا داشت و حتی در یک روز شاخص کل با رشد حدود ۶۱ هزار واحدی بسته شد، اما این برگشت برای پاک کردن اثر ریزش‌های ابتدای هفته کافی نبود و بازده هفتگی همچنان منفی بسته شد. گزارش‌های تحلیلی هفتگی نشان می‌دهد میانگین ارزش معاملات خرد روزانه در این هفته حول ۷،۴۳۰ تا ۷،۵۰۰ میلیارد تومان در نوسان بوده و از طرف دیگر خروج پول حقیقی

ریسک جنگ عقب نشست، ریسک عرضه ماند

نفت در آستانه تصمیم وین و اوپک پلاس

در جمع بندی هفتگی به سمت «تقریباً ثابت» شدن رفت؛ یعنی نه اخبار آن قدر منفی بود که نفت را وارد ریزش کند و نه آن قدر مثبت که جهش پایدار بسازد. این رفتار برای معامله‌گران یک پیام روشن دارد: نفت فعلاً بیشتر از اینکه تابع تقاضای کوتاه مدت باشد، زیر سایه ریسک‌ها و خبرهای سیاسی قیمت‌گذاری می‌شود. اما چرا با وجود تمدید گفت و گوها، بازار هنوز حاضر نیست پرمیوم ریسک را کامل کنار بگذارد؟ چون دو ترس بزرگ همچنان زنده است. ترس اول، ریسک عبور نفت از تنگه هرمز و آسیب‌پذیری زنجیره عرضه منطقه است؛ جایی که فقط یک خبر تنش را می‌تواند بلافاصله نرخ بیمه، کرایه‌نفتکش و رفتار ذخیره‌سازی را تغییر دهد. ترس دوم، رفتار تولیدکنندگان بزرگ و مدیریتی عرضه در اوپک پلاس است. در چنین فضایی، حتی یک افزایش کوچک تولید هم می‌تواند نقش ترمز را بازی کند و نگذارد نفت از محدوده‌های حساس عبور کند. برای همین نگاه

دو چیز نیاز دارد: برگشت اعتماد (ورود پول حقیقی) و پررنگ شدن ارزش معاملات خرد.

جمع بندی؛ هفته بعد را با چه علامت‌ها باید رصد کرد اگر هفته آینده ارزش معاملات خرد از محدوده‌های کم رمق فعلی فاصله بگیرد و همزمان خروج پول حقیقی متوقف یا معکوس شود، برگشت‌های مقطعی می‌تواند شانس تبدیل شدن به روند را پیدا کند. اما اگر معاملات خرد همچنان در همان محدوده بماند و پول حقیقی باز هم خارج شود، سناریوی محتمل تر ادامه نوسان فرسایشی است؛ یعنی رشدهای کوتاه، فروش در مقاومت‌ها، و برگشت دوباره شاخص‌ها. عددهای هفتگی اخیر (افت ۲.۴۴ درصدی شاخص کل و افت ۲.۸۶ درصدی هم وزن) عملاً به ما می‌گوید بازار هنوز از فاز احتیاط خارج نشده و هر سیگنال تازه می‌تواند جهت را سریع عوض کند.

و آمریکا نشانه‌های روشن‌تری از پیشرفت دیده شود و احتمال تنش نظامی عقب‌بنشیند، بازار جا برای تخلیه بیشتر پرمیوم ریسک دارد و برنت می‌تواند دوباره به سمت کسف‌های نزدیک ۷۰ دلار میل کند. اما اگر گفت و گوها وارد بن بست شود یا ادبیات تهدید تشدید شود، همان پرمیوم ریسک می‌تواند سریع برگردد و نفت را به سمت سقف‌های بالاتر هل بدهد. عامل سوم هم تصمیمات اوپک پلاس است: اگر سیگنال افزایش عرضه پررنگ تر شود، رشد قیمت محدود می‌شود؛ اگر محتاطانه عمل کنند، بازار در برابر شوک‌های خبری حساس تر خواهد بود. در چنین شرایطی، برای مخاطب داخلی هم باید یک نکته را اضافه کرد: اثر نفت فقط در قیمت جهانی خلاصه نمی‌شود و از کانال انتظارات ارزی، هزینه حمل و نقل، و قیمت فرآورده‌ها می‌تواند سریع به اقتصاد داخل منتقل شود؛ بنابراین هفته آینده بیش از هر چیز «هفته خیر» است، نه هفته روند.

افت تا ۵ درصد و بخشی هم افت‌های ۵ تا ۱۰ درصد و بالاتر را تجربه کرده‌اند که این هم با تصویر «بازار کم‌جان و محتاط» همخوان است.

نوسان روزانه چه پیامی داشت؛ بازار از چه می‌ترسید و به چه امید داشت

رفتار هفته گذشته نشان داد بورس به شدت خبرمحور شده است: روزهایی که ریسک‌های بیرونی پررنگ تر می‌شود، فشار فروش بالا می‌رود و روزهایی که نشانه‌ای از آرام شدن فضا یا ارزندگی قیمتی مطرح می‌شود، شاخص‌ها جمع می‌شوند. همین خبرمحوری باعث شد دامنه نوسان بزرگ بماند اما عمق تقاضا کم باشد؛ یعنی بازار بالا می‌رفت، ولی با اولین موج عرضه، دوباره عقب می‌نشست. نتیجه نهایی این شد که شاخص کل و هم وزن هر دو منفی هفتگی بستند و پیام اصلی هفته این بود که بورس هنوز برای یک روند صعودی تازه به

ها همزمان به دو میز دوخته شده: میز مذاکره (که پرمیوم ریسک را بالا و پایین می‌کند) و میز اوپک پلاس (که سمت عرضه را تنظیم می‌کند).

در این میان، تحلیلگران چند عدد کلیدی را به عنوان وزن ریسک بازار مطرح کرده‌اند. یکی از بحث‌های پرترکر این بود که بازار در روزهای اوج تنش، چند دلار پرمیوم ریسک روی هر بشکه گذاشته و با هر علامت از دیپلماسی، بخشی از آن را پس داده است. همزمان نشانه‌هایی از «پیشگیری» در رفتار برخی صادرکنندگان منطقه هم خالی نماند. این نوع رفتار معمولاً به بازار می‌گوید که بازیگران بزرگ هم ریسک را جدی گرفته‌اند، حتی اگر هنوز اتفاقی نیفتاده باشد.

جمع بندی برای هفته پیش رو این است که نفت در یک راهروی باریک حرکت می‌کند. اگر در مذاکرات ایران

کارت سوخت به کارت بانکی وصل می شود؟

پشت پرده یک تغییر بزرگ در بنزین

فرصت امروز: در ایران بنزین فقط یک کالا نیست؛ یک شاخص حساسیت اجتماعی است. هر تغییر در سلازوکارت توزیع، هر خبر درباره کارت سوخت، و هر شایعه درباره سهمیه یا قیمت، سریع وارد گفت و گوی روزمره می شود و به رفتار اقتصادی مردم شکل می دهد. دلپیش هم روشن است: بنزین مستقیما به هزینه رفت و آمد، حمل و نقل کالا، قیمت خدمات و در نهایت به انتظارات تورمی وصل است. برای همین وقتی بحث اتصال کارت سوخت به کارت بانکی مطرح می شود، افکار عمومی آن را فقط یک تغییر فنی نمی بیند؛ آن را «شانه» می بیند.

اتصال کارت سوخت به کارت بانکی؛ هدف رسمی و برداشت بازار
در روایت رسمی، هدف اتصال کارت سوخت به کارت بانکی شفافیت و جلوگیری از قاچاق عنوان می شود. این هدف روی کاغذ منطقی است: وقتی مصرف و تخصیص سهمیه شفاف شود، امکان سوءاستفاده کاهش پیدا می کند و مدیریت پارانه پنهان راحت تر می شود. اما بازار همزمان چند برداشت دیگر دارد. نخست اینکه ممکن است دولت بخواهد خدمات پارانه ای را یکپارچه کند و به سمت شناسایی دقیق تر مصرف برود. دوم اینکه ممکن است این اتصال، مقدمه ای برای اصلاحات بعدی باشد؛ اصلاحاتی که می تواند از تغییر سهمیه شروع شود یا به تغییر قیمت ختم شود. همین «ممکن است» برای ایجاد موج نگرانی کافی است، حتی اگر مقام رسمی تاکید کند امنیت حساب مردم حفظ می شود و اتفاقی برای موجودی بانک رخ نمی دهد.

امنیت حساب و حریم داده؛ دغدغه ای که باید جدی گرفته شود
مهم ترین نطه حساس این طرح، اعتماد است. مردم می پرسند: اگر کارت بانکی در فرآیند سوخت گیری دخیل شود، تکلیف امنیت داده ها چیست؟ اگر حمله سایبری یا خطای سیستمی رخ دهد، مسئولیت با کدام نهاد است؟ پاسخ های کلی و اطمینان بخشی، برای آرام کردن افکار عمومی کافی نیست؛ طرح باید با استانداردهای فنی روشن، سازوکار جبران خسارت، و شفافیت حقوقی همراه باشد. کارشناسان فناوری مالی معمولا می گویند هر پروژه ملی که به داده های مالی مردم وصل می شود، اگر از ابتدا «چارچوب اعتماد» نداشته باشد، هزینه اش از جنس هزینه فنی نیست؛ از جنس هزینه اجتماعی است.

سهمیه و قیمت؛ چرا حساسیت از یک خبر ساده شروع می شود
علت حساسیت شدید بازار این است که تجربه تاریخی نشان داده شوک های سوخت، موج دومین عمل می کنند. افزایش یا تغییر سهمیه می تواند به سرعت کرایه حمل و نقل را بالا ببرد، قیمت کالاهای مصرفی را تکان دهد و موج جدیدی از انتظارات تورمی بسازد. حتی اگر قیمت رسمی تغییر نکند، شایعه تغییر قیمت می تواند رفتارها را تغییر دهد: بعضی ها مصرف را جلو می اندازند، بعضی ها به فکر ذخیره سازی می افتند، و بعضی کسب و کارها قیمت های خدمات را با احتیاط بالا می برند. بنابراین اگر هدف سیاستگذار صرفا شفافیت و مقابله با قاچاق است، باید همزمان نشان دهد که سازوکار سهمیه و قیمت در کوتاه مدت ثابت می ماند و هر تغییری با اطلاع رسانی مرحله بندی شده انجام می یكد.

قاچاق سوخت و یارانه پنهان؛ ریشه های اقتصادی یک بحران
قاچاق سوخت فقط با دوربین و سامانه حل نمی شود؛ ریشه اقتصادی دارد. وقتی فاصله قیمت داخلی و منطقه ای زیاد است، انگیزه قاچاق بالا می رود. ابزارهای فنی می توانند هزینه قاچاق را بالا ببرند، اما تا زمانی که شکاف قیمتی و ضعف نظارت مرزی وجود دارد، قاچاق شکل های جدید پیدا می کند. از طرف دیگر، پارانه پنهان سوخت هم یک واقعیت است که بودجه و تراز انرژی کشور را تحت فشار می گذارد. اتصال کارت ها اگر درست انجام شود، می تواند تصویر دقیق تری از توزیع ارائه بدهد و زمینه تصمیم های هدفمندتر را فراهم کند؛ اما اگر فقط تبدیل به یک پروژه نمایشی شود، هم اعتماد را می سوزاند و هم مساله را حل نمی کند.

جمع بندی: اصلاح فنی بدون روایت شفاف، به بحران اعتماد تبدیل می شود
پیام آخر این است که اتصال کارت سوخت به کارت بانکی می تواند یک ابزار مفید برای شفافیت و کاهش قاچاق باشد، اما فقط در یک شرط: مردم بدانند دقیقا چه چیزی تغییر می کند و چه چیزی تغییر نمی کند. اگر دولت از ابتدا نقشه راه، تضمین های امنیتی، سازوکار پاسخگویی و زمان بندی روشن ارائه کند، بازار آرام می گیرد و پروژه با هزینه کمتر جلو می رود. اما اگر اطلاعات قطره چکانی و مبهم باشد، هر گام فنی به موج شایعه تبدیل می شود و در نهایت هزینه اجرا را بالا می برد.

<p>آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف</p>
<p>برابر رای شماره ۱۲۹۴۶-۵۰۱۲۹۴۰۳۱۲۰۰۵ مورخ۱۴۰۴۰۶۰۸ مورخ۱۴۰۴۰۱۰۰۸ به صورت سلسله ایادی از مالک رسمی (علی محمد علی نژاد) به متقاضی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۳۶۷-۰۵۰۰۳۲۱۲۰۰۵۰۱۴۱۱۴۴۱۲۰۰۵ تقاضای خاتم شهناز قضایی به شماره شناسنامه ۶ و کد ملی ۵۷۲۹۸۵۶۰۵۹ صادره از - فرزند اسمعیل در ششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۲۵ متر مربع مغزور و مجزا شده از پلاک از ۱- اصلی - واقع در بخش ۶ حوزه ثبت ملک علی اباد کنول -اراضی کشاورزی فاضل اباد - و به استناد ۱۴۰۴۰۶۰۹۹۹۷ مورخ ۱۴۰۴۰۷۰۲۹ ۱۴۰۴۰۷۰۲۹ اداره ثبت اسناد علی اباد و نامه شماره ۹۴ مورخ ۱۱۵۶۹۴ مورخ ۱۴۰۴۰۸۰۶ اداره جهاد کشاورزی علی اباد تأیید گردید. مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز در روزنامه محلی و کنیولانتشار آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.</p> <p>مآلف: ۱۵۵۷</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴.۱۲.۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴.۱۲.۲۵</p> <p>مجتبی گلچین رئیس اداره ثبت اسناد و املاک علی آباد کنول</p> <p>از طرف سید علی اکبر حسینی</p>

<p>آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف</p>
<p>برابر رای شماره ۱۷۹۱۱-۰۵۰۱۲۹۴۰۳۱۲۰۰۵ مورخ۱۴۰۴۰۶۰۳ مورخ۱۴۰۴۰۶۰۳ به صورت سلسله ایادی از مالک رسمی 0 به متقاضی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۳۶۶۲-۰۵۰۰۳۲۱۲۰۰۵۰۱۴۱۱۴۴۱۲۰۰۵ تقاضای خاتم سمیه فوجردی به شماره شناسنامه ۳۷۷۶ و کد ملی ۲۱۲۱۱۶۲۶۶۲ صادره از گرگان - فرزند حسینیعلی در ششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۰۷۹۲،۶۵ متر مربع مغزور و مجزا شده از پلاک از ۱۷- اصلی - واقع در بخش ۶ حوزه ثبت ملک علی اباد کنول - قریه نمرغه - و به استناد نامه شماره ۴۸۹ مورخ ۱۴۰۴۰۷۰۱۰۷ مورخ ۱۴۰۴۰۷۰۱۰۷ اداره ثبت اسناد علی اباد و نامه شماره ۲۰۳۴۲۱ مورخ ۱۴۰۳۰۱۲۰۲۷ اداره جهاد کشاورزی علی اباد تأیید گردید. مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز در روزنامه محلی و کنیولانتشار آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.</p> <p>مآلف: ۱۵۶۷</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴.۱۲.۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴.۱۲.۲۵</p> <p>مجتبی گلچین رئیس اداره ثبت اسناد و املاک علی آباد کنول</p> <p>از طرف سید علی اکبر حسینی</p>

اقتصاد خانواده در تله اسفند

اینجاست که بدون ثبات سیاستی و بدون رشد بهره وری، هر افزایش اسمی دستمزد یا به تورم منتقل می شود یا به کاهش اشتغال؛ و اگر هم افزایش ندهند، رکود تقاضا عمیق تر می شود. بنابراین راه واقعی، فقط «عدد» نیست؛ مجموعه ای از سیاست های مکمل است: کاهش نااطمینانی، مهار رانت های قیمتی، و ایجاد زمینه برای رشد تولید.



کالاهای اساسی؛ ارزان شد یعنی ثبات آمد؟

تیرهای روزهای اخیر از قیمت مرغ، گوشت، برنج و شکر بر است؛ گاهی با برچسب «ارزان شد» و گاهی با هشدار «گران نخريد». اما تجربه بازار نشان می دهد مردم با یک جدول قیمت آرام نمی شوند؛ آنها به ثبات نیاز دارند. مرغ ممکن است در یک بازه کوتاه در محدوده حدود ۲۲۰ تا ۲۳۰ هزار تومان برای هر کیلو گزارش شود، اما اگر هزینه نهاده، حمل و نقل و نقدینگی تولیدکننده مشکل داشته باشد، بازار دوباره تکان می خورد. همین منطق درباره برنج و شکر هم صادق است. کارشناس بخش غذایی معمولا می گویند وقتی تورم عمومی بالاست، کاهش های مقطعی بیشتر جشیه «ففس گیری» است تا تغییر روند، و مصرف کننده هم با همین پیش فرض تصمیم می گیرد: خرید را کوچک تر می کند، به جای برند

واردات خودرو، وعده ای که به دیوارهای داخلی خورد

خودروهای کارکرده؛ نسخه ارزان تر یا چالش پرهزینه؟
همزمان با بحث واردات خودروی نو، سیاست گذار دوباره سراغ واردات خودروهای کارکرده رفته است؛ نسخه ای که در نگاه اول می تواند ارزان تر باشد و سریع تر به افزایش عرضه کمک کند. اما تجربه های قبلی و نگرانی های ایمنی و خدمات، باعث شده آیین نامه جدید با «شرط های سخت» جلو بیاید. بر اساس آنچه از متن و تحلیل های منتشرشده برمی آید، واردات خودروهای کارکرده عملا محدود به شرکت هایی می شود که هم اصالت خودرو را تضمین کنند و هم تعهد رسمی خدمات پس از فروش و گارانتی بدهند. علاوه بر این، سن خودروهای وارداتی در بازه ۹۱ تا ۹۲ سال تعریف شده؛ یعنی خودروی خیلی قدیمی اجازه ورود ندارد، اما باز هم خودرو از چرخه اولیه عمرش عبور کرده و نیاز به پشتیبانی فنی و قطعه دارد.

چرا شرط گارانتی این قدر برجسته شد؟

منطق گارانتی در خودروی کارکرده، یک پاسخ مستقیم به کابوس «خرید بدون پشتیبان» است. کارشناسان این حوزه یادآوری می کنند که خودروی کارکرده به شکل طبیعی ریسک خرابی و نیاز به سرویس بیشتری نسبت به خودروی نو دارد، و اگر واردات بدون شبکه خدمات باشد، هزینه پنهان آن به مصرف کننده منتقل می شود؛ از سرگردانی برای قطعات مصرفی تا توقف طولانی خودرو و افت ارزش بازار. در گفت و گوهای کارشناسی مرتبط، به تجربه تلخ سال های ۹۱ و ۹۲ اشاره شده که ورود گسترده خودروهای خاص در بعضی مناطق، به محض رسیدن نوبت سرویس و قطعه، مالکان را وارد بن بست خدمات کرد. بنابراین شرط خدمات پس از فروش در آیین نامه جدید، در ظاهر کندکننده است، اما هدفش این است که هزینه ریسک را از دوش خریدار بردارد و به واردکننده منتقل کند.

مقال دیگر و استنادردها؛ دو مانع همیشگی که حذف نمی شوند
دو مانع دیگر که در مسیر واردات کارکرده هم تکرار می شود، موضوع ارز و موضوع استنادردهاست. از یک سو، تأیید منشأ ارز و مدل تأمین آن همیشه واردات را کند کرده و باعث می شود تصمیم های اقتصادی با ضربهتنگ اداری جلو برود. از سوی دیگر، استانداردهای سخت گیرانه و کنترل کیفی، مخصوصا وقتی با تفسیرهای متفاوت اجرایی همراه شود، می تواند فرآیند را طولانی کند. نکته اینجاست که بازار از «کنترل کیفیت» بدش نمی آید؛ بازار از «نامعلوم

فرصت امروز: اسفند در اقتصاد ایران همیشه ماه «جمع بندی» است؛ جمع بندی حساب و کتاب خانوار، جمع بندی فروش کسب و کارها، و جمع بندی انتظاراتی که برای سال بعد شکل می گیرد. اما اسفند امسال یک تفاوت مهم دارد: مردم کمتر درباره «چی بخرم» حرف می زنند و بیشتر درباره «چه چیزی را نخرم». این تغییر لحن، نشانه یک فشار همزمان است؛ فشار هزینه های ثابت مثل اجاره و قبوض، فشار خوراکی ها و اقلام روزمره، و فشار روانی ناشی از بی ثباتی قیمت ها. نتیجه این می شود که حتی خبرهای مثبت یا آرام کننده هم در ذهن جامعه «کم اثر» می شوند، چون بخش بزرگی از ترس، مربوط به فرداست نه امروز.

اجاره ترمز کرد، اما بارش از دوش مستاجر نیفتاد
در ماه های اخیر تیرها از کند شدن تورم اجاره می گویند و عددها هم این را تأیید می کنند؛ تورم ماهانه اجاره در بهمن حدود ۲.۲ درصد و تورم سالانه اجاره حدود ۳۴.۷ درصد گزارش شده و تورم نقطه به نقطه اجاره هم به محدوده ۳۲.۲ درصد رسیده است. اما همین عددها دو روایت دارد. روایت اول این است که شیب رشد اجاره کم شده و بازار از فاز جهش های پی در پی فاصله گرفته است. روایت دوم این است که سطح اجاره آن قدر بالا رفته که حتی با کاهش سرعت رشد، مستاجر هنوز زیر بار سنگین هزینه مسکن نفس کم می آورد. کارشناسان مسکن معمولا تأکید می کنند که «کند شدن تورم» به معنای «ارزان شدن»

نیست؛ معنایش این است که جهش های قبلی حالا تبدیل به سطح جدیدی از قیمت شده که باید با درآمدهای عقب مانده تطبیق پیدا کند.

عیدی و دستمزد؛ جنگ بر سر یک عدد، نبرد بر سر قدرت خرید
اسفند همیشه فصل حساب کردن عیدی است و امسال دوباره این سوال پررنگ شده که عیدی کارگران و کارمندان جوابگوی چند قلم خرید نوروزی است. در کنار آن، بحث دستمزد سال ۱۴۰۵ و حق مسکن، یک جدال قدیمی را زنده کرده: کارگر می گوید اگر افزایش دستمزد عقب بماند، زندگی از هم می پاشد؛ کارفرما می گویند اگر هزینه نیروی کار جهش کند، تولید و اشتغال ضربه می خورد. در این میان، اعداد و شایعات درباره حق مسکن (از ۳ میلیون تا ۵ میلیون و حتی درصدهای اغراق آمیز) بیشتر از آنکه نسخه باشد، علامت اضطراب است. نگاه کارشناسی

فرصت امروز: بازار خودرو در ایران یک تناقض مزمن دارد: از یک سو، واردات را به عنوان ابزار تعدیل قیمتی و شکستن انحصار می خواهد؛ از سوی دیگر، هر بار که واردات شکل اجرایی می گیرد، با موجی از موانع حقوقی، اداری و اجرایی روبه رو می شود که سرعت را می گیرد و اثر بازارساز آن را کم می کند. تازه ترین تصویر این تناقض در اظهارات رسمی درباره واردات ۱۴۰۴ دیده می شود؛ جایی که با وجود پیش بینی ۲ میلیارد یورو برای واردات، مسیر عملی واردات با دعوای حقوقی و ابهام تعرفه ای گیر کرد و عملا زمان از دست رفت.

جنگ تعرفه ای و یک پرونده حقوقی که زمان را بلعید

یکی از گلوگاه های کلیدی، نوسان و اختلاف بر سر «حقوق ورودی و تعرفه» بود. در یک طرف، قانون سامان دهی صنعت خودرو تعیین حقوق ورودی را به هیات وزیران سپرده بود، اما در بودجه ۱۴۰۴ تعرفه واردات خودرو ۱۰۰ درصد اعلام شد و بعد وزارت صمت برای خودروها میانگین تعرفه تعریف کرد. همین تغییر ریل، پرونده را وارد مسیر اعتراض و ابطال در دیوان عدالت اداری کرد و نتیجه عملی اش این بود که بخش مهمی از سال در بلاکنلفی گذشت و واردات به جای اینکه پیوسته و قابل پیش بینی باشد، ضربانی و مقطعی شد. طبق اظهارات رسمی، عملا از ۲۱ آبان ۱۴۰۴ امکان واردات فراهم شد؛ یعنی بازار چند ماه را به سیگنال واردات «وری کاغذ» و واردات «در عمل» جدا از هم تجربه کرد.

عددها چه می گویند؟ واردات انجام شد، اما سوال اصلی هنوز

پارچاست

در همین چارچوب زمانی، آمار واردات تا پایان بهمن ۱۴۰۴ اعلام شده که تصویری از ترکیب واردات هم می دهد. مجموع واردات در این دوره ۵۸ هزار و ۹۴۵ دستگاه ذکر شده و بخش قابل توجهی از آن خودروهای اقتصادی با حجم موتور تا ۱۵۰۰ سی سی بوده است. در کنار آن، واردات خودروهای هیبریدی و پلاگین هیبرید هم سهم قابل ملاحظه ای پیدا کرده؛ عددی که نشان می دهد بخشی از واردات به سمت سگمنت های کم مصرف تر رفته است. اما سوال اصلی بازار فقط «چند دستگاه آمد» نیست؛ بازار می پرسد «آیا واردات به اندازه ای پیوسته و قابل اتکا هست که انتظارات قیمتی را تعدیل کند؟» وقتی مسیر واردات با وقفه های حقوقی و اداری همراه باشد، اثر روانی آن پررنگ می شود اما اثر واقعی در قیمت و رقابت، کوچک تر از ظرفیتش می ماند.

<p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</p>
<p>برابر رای شماره ۱۸۹۱۳-۰۱۰۱۸۹۱۳۰۳۰۹۰۰۱ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ کلاسه ۳۵۱۶-۰۱۰۳۳۱۶۴۰۹۰۰۱ مورخ ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۱ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای امیرعلی محمدی به شناسنامه شماره ۶۳۰۰۳ کد ملی ۴۳۲۰۶۳۳۰۴۵ صادره قزوین فرزند حیدر در ششداگ یک قطعه باغ از اراضی روستای میانبزر به مساحت ۶۰۰ متر مربع در پلاک شماره ۳۹ اصلی واقع در قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین مباحعه نامه عادی انتقالی مع الواسطه از مالکیت ابوالحسن عابدی تأیید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد</p> <p>تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹ تاریخ انتشاردوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۵</p> <p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک قزوین</p> <p>شناسه آگهی ۲۱۳۹۸۳۶</p>

تاریخ انتشار در سایت آگهی های سازمان ثبت ۱۴۰۴/۱۲/۰۹

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی اشتهارد - مسیب محمدی

شناسه آگهی ۲۱۴۰۸۷۵

م آلف ۲۱۳۲

به سمت کالای ارزان تر می رود، و سید را به سمت حداقل ها می برد. **کالابریگ و یارانه نان؛ سیاست حمایتی در میدان بی اعتمادی**
در کنار بازار، دولت هم با ابزارهای حمایتی وارد می شود: کالابریگ، بحث افزایش اعتبار، و البته مناقشه همیشگی یارانه آرد و نان. از یک طرف، سیاستگذار می خواهد فشار معیشتی را کاهش دهد و در ماه های پرهزینه مثل رمضان و نوروز، ضربه را نرم کند. از طرف دیگر، منابع محدود است و هر سیاست حمایتی اگر هدفمند و شفاف نباشد، می تواند به رانت، صف و افزایش تقاضای سفته بازانه تبدیل شود. تحلیل کارشناسی در این حوزه معمولا یک هشدار ثابت دارد: کمک معیشتی وقتی اثرگذار است که قابل پیش بینی باشد و همزمان با آن، تورم مهار شود؛ وگرنه سیاست حمایتی به مسابقه ای تبدیل می شود که در آن قیمت ها جلوتر می دوند و حمایت ها عقب تر.

آب و برق؛ بحران هایی که آرام و بی صدا به سفره می رسند

یک بخش از فشار اسفند، مستقیم از بازار نمی آید؛ از زیرساخت می آید. هشدارهای مربوط به کاهش ذخایر سدها و نگرانی از تنگنای آب، در کنار وعده ها درباره خاموشی، یک پیام روشن دارد: هزینه های پنهان سال بعد می تواند بالا برود. آب و برق مثل میوه و گوشت هر روز جلوی چشم نیستند، اما وقتی کمبود یا اختلال شکل بگیرد، هم خانواده و هم تولیدکننده ضربه می خورند.

کارشناسان انرژی و آب معمولا تأکید می کنند که اگر مدیریت مصرف و سرمایه گذاری در زیرساخت مقب بماند، اقتصاد در فصل های بعدی هزینه اش را با افت تولید، افزایش هزینه خدمات و فشار بیشتر بر بودجه خانوار می پردازد.

جمع بندی: اسفند پول هست، اما آرامش نیست

جمع بندی این است که اسفند امسال بیش از آنکه فصل خرید باشد، فصل تصمیم های دفاعی است؛ دفاع در برابر بی ثباتی. تورم اجاره کند شده، اما سطح اجاره بالا مانده است. کالاهای اساسی گاهی عقب می نشینند، اما ثبات ندارند. سیاست های حمایتی می آید، اما نگرانی از فردا اجازه نمی دهد اثرش کامل بنشیند. برای همین، تیرت واقعی اقتصاد خانوار این است: مشکل فقط گرانی نیست، مشکل نامعلوم بودن فرداست.

واردات خودرو، وعده ای که به دیوارهای داخلی خورد

بودن زمان و هزینه عبور از کنترل» ضربه می خورد. این همان نقطه ای است که واردات، به جای اینکه ابزار تنظیم بازار باشد، خودش به موضوع نااطمینانی تبدیل می شود.

سیاست تجاری و یک درس سخت: تعرفه فقط عدد نیست، سیگنال است

سومین محور این بسته خبری، نگاه وسیع تر به «سیاست تجاری» است؛ اینکه تعرفه و دیوارهای حمایتی با صنعت چه می کنند. نمونه های بین المللی نشان می دهد جهش تعرفه ای می تواند سودآوری و برنامه تولید را در مدت کوتاهی به هم بریزد و شرکت ها را مجبور کند ساختار هزینه، قیمت گذاری و بازار هدف را بازطراحی کنند. در یک گزارش تحلیلی درباره صنعت خودرو ژاپن، نشان داده شده که افزایش تعرفه از سطوح پایین به سطوح بالاتر چگونه در کمتر از یک سال، ضربه بزرگی به سود عملیاتی چند خودروساز بزرگ زده و آن ها را نشار به اصلاح مدل کسب و کار کرده است. این مثال برای ایران یک هشدار کاربردی دارد: هر صنعت به دیوارهای بلند حمایتی عادت کند، در مواجهه با رقابت واقعی یا حتی نوسان سیاست تجاری، آسیب پذیر می شود.

جمع بندی: راه خروج از بن بست واردات و صنعت، یک کلمه است؛ ثبات

از دل این سه تیر، یک نتیجه مشترک بیرون می آید: مساله اصلی خودرو در ایران فقط «واردات یا عدم واردات» نیست؛ «قواعد با ثبات» است. واردات وقتی اثرگذار است که قابل پیش بینی باشد، دعوی حقوقی و نوسان تعرفه ای آن را از حالت جریان مستمر خارج نکند، و تکلیف ارز و استانداردها از قبل روشن باشد. واردات خودروی کارکرده هم اگر قرار است به تعدیل قیمت کمک کند، باید همزمان دو شرط را پاس کند: حقوق مصرف کننده با خدمات پس از فروش واقعی حفظ شود و فرآیند اجرایی آن آن قدر پیچیده نشود که عملا به واردات محدود و نامدین ختم شود. و در نهایت، صنعت داخلی هم اگر قرار است از زیر تیغ سیاست تجاری جان سالم به در ببرد، نیاز به رقابت پذیری واقعی دارد؛ رقابت پذیری ای که با شعار و بستن بازار ساخته نمی شود، یا قواعد، شفافیت هزینه ها و فشار سالم رقابتی ساخته می شود.

برای مشاهده قیمت روز خودرو به صفحه مرجع مراجعه کنید.

آگهی مزایده اموال منقول

بدینوسیله به اطلاع عموم می رساند به موجب پرونده اجرایی کلاسه ۱۴۰۲۰۰۱۴۶ با بانک صادرات علیه شرکت دبش سبز گستر و غیره اموال منقول به شرح زیر:

تعداد ۲۷۹ عدد کانتینر ۴۰ فوت به مبلغ ۱۳۹۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال معادل صد و سی و نه میلیارد و پانصد میلیون تومان ارزیابی گردیده که برابر نظریه کارشناس رسمی مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۳ به مبلغ ۱۳۹۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده از طریق مزایده به فروش می رسد مزایده از ساعت ۹ الی ۱۲ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۴ روز یکشنبه در شهرک صنعتی اشتهارد فاز ۲ بلوار غزالی غربی خ گلشهر ۲ و ۴ خ گلسار یک از مبلغ ارزیابی آغاز و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول خواهد شد ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی اعلام گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد شرکت در جلسه مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و تحت شناسه واریز اعلامی و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است لذا خریدار با خریداران می بایست تا قبل از شروع وقت مزایده اصل فیش واریزی مبلغ ودیعه ده درصد بنام خود را به همراه درخواست کتبی به واحد اجرا تسلیم و ثبت نمایند ضمنا برنده مزایده مکلف است ما به التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد.

تاریخ انتشار در سایت آگهی های سازمان ثبت ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی اشتهارد - مسیب محمدی

شناسه آگهی ۲۱۴۰۸۵۸

م آلف ۲۲۲۲

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مصطفی محمدی اصلتا و به وکالت از خانم مریم محمدی به موجب وکالتنامه شماره ۴۵۸۰۶ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۹ دفترخانه ۱۲۹۷ تهران و خانم فریده آهنگری شیرزی اصلتا و به وکالت از خانم زهرا رضائی و آقای شهاب الدین محمدی و حسام الدین محمدی و به موجب وکالتنامه شماره ۳۷۰۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۱ دفترخانه ۱۲۹۷ تهران و وکالتنامه شماره ۲RFOHUIEAXIJ اصلتا با سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن و خانم سکیینه محمدی اصلتا را ارائه دو برگ استشهادیه مصدق ذیل شماره مورخ دفترخانه تهران اعلام نموده سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۴۹/۲۰ متر مربع به شماره ۱۳۷۱۴ فرعی از ۱ اصلی فرغوز از ۱۲۱۱۸ و ۱۲۱۱۹ فرعی از اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران که ذیل ثبت ۱۷۵۷۰۱ و ۱۷۵۶۹۹ صفحه ۱۱۶ و دفتر ۱۱۸ املاک با شماره ۳۵۱۴۸۷ و ۳۵۱۴۸۸ بالسویبه به نام رحمت اله لایقی و علی جعفری ثبت و صادر شده است سپس مع الواسطه طبق سند قطعی شماره ۷۵۰۹۲ مورخ ۱۳۷۲/۰۴/۲۲ دفترخانه ۹ شهری به مصطفی محمدی انتقال و سپس نامبرده سه دانگ مشاع آن را برابر ۷۵۰۹۲ مورخ ۱۳۷۶/۰۴/۳۰ دفترخانه ۹ شهری به خانم زهرا رضائی نسبت به یک دانگ مشاع و خانم ها غزری و سکیینه، مریم و کبری همگی محمدی هر یک نسبت به ۰/۵ نیم دانگ مشاع انتقال داده است.
سپس برابر ۲۵۲۸ مورخ ۱۳۸۹/۰۸/۱۳ دفترخانه ۱۰۵۳ تهران دو دانگ مشاع از سهم زهرا رضائی، غزری و کبری محمدی به مرتضی و مریم محمدی هر یک نسبت به یک دانگ مشاع انتقال یافته است.
سپس طبق دادنامه حصر وراثت شماره ۱۷۲۳۶۸۷ مورخ ۱۴۰۱۹۱۳۹۰۰۱۳۰۶ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۶ شعبه ۵۲ مجتمع شماره ۲ شورای حل اختلاف تهران نامبرده فوت نموده و ورثه وی عبارتند از: فریده آهنگری شیرزی همسر متوفی و شهاب الدین محمدی و حسام الدین محمدی فرزندان متوفی و خانم زهرا رضائی همسر متوفی به علت جایجایی مفقود گردیده و به موجب درخواست شماره ۱۰۷۸۰۲۲۷۵۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت مذکور را نموده است لذا در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت (مصوب ۱۳۸۱/۰۸/۱۸) مراتب در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه شخص یا اشخاص مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود اسناد مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این منطقه واقع در تهران خیابان سامیرشکی بعد از تقاطع جیحون اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یافت آید تسلیم و رسید اخذ نمایند بدیهی است در صورت انقضاه مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض و عدم ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران – ۱۸۰۳۲ م الف

شناسه آگهی ۲۱۳۷۸۸۷

شناسه آگهی ۲۱۳۷۸۹۴

شناسنامه (برگ سبز) خودرو سواری سند مدل ۱۳۸۲ به رنگ بز بشماره موتور ۱۷۴۸۲۰۰۷۹۱ شماره شاسی INAY۲۸۳۰۸۲۷ بشماره انتظامی ی ۶۱۱ ای ۵۲ ایران ۱۹ بنام صدرا شکرلی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.
۱۲/۰ د

شناسنامه (برگ سبز) خودرو وانت پیکان ثبت ۰۰OHV به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۷ بشماره موتور۱۱۷۴۶۰۰۱۱۷۴ شماره شاسی ۱۱۷۸۲۰۰۱۱۷۴ بشماره انتظامی بنام ۹۹۴ خ ۳۱ ایران ۲۹ بنام فریبا عزیزلی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.
۱۴۰/ م

اداره ثبت اسناد و املاک دهگلان – عطا الله شاه نظری

شناسه آگهی ۲۱۳۷۸۹۴

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای علیرضا ندری فرزند حسن وکالتا از طرف خانم شیرین امیر حمزه یگانه با ولایت ارسلان امیر حمزه یگانه طی وکالتنامه شماره ۵۸۸۲۵ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ دفترخانه ۷۰۱ تهران که در سامانه به ثبت رسیده است با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم دو برگ استشهادیه گواهی امضاء شده دفترخانه ۷۰۱ تهران طی درخواست مالکیت را نموده اند که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:

۱- نام و نام خانوادگی: خانم شیرین امیر حمزه یگانه با ولایت ارسلان امیر حمزه یگانه ک شش دانگ عرصه و اعیان

۲- شماره پلاک: ۲۳۶۶۵ فرعی از ۱۱۸ اصلی

۳- علت مفقود شدن: جایجایی

۴- خلاصه وضعیت مالکیت:

ششدانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی به پلاک ثبتی ۳۶۶۶۱ فرعی از ۱۱۸ اصلی فرغوز و مجزا شده از ۷۹۲ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱۳ واقع در شمالغرب طبقه چهارم و واقع در بخش ۱۱ تهران حوزه ثبت کن به مساحت ۸۲/۴۹ متر مربع که ۱/۹۱ یک متر و نود و یک دسیمتر مربع آن بالکن و بالکن پیشرفته ۳/۷۴ سه متر و هفتاد و چهار دسیمتر مربع آن پیشرفتگی است بانضمام انباری قطعه ۱۱ به مساحت ۱/۶۹ متر مربع و پارکینگ قطعه ۱۱ به مساحت ۱۰/۷۵ متر مربع مشخصات مالکیت:

مالکیت شیرین امیر حمزه یگانه با ولایت پدرش ارسلان امیر حمزه یگانه متولد ۱۳۸۷/۱۰/۱۰ صادره از تهران بشماره ملی ۰۰۲۶۳۲۰۰۶۲۲ مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستندمالکیت۳۳۵۳۳ تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۱ و سند صلح ۳۳۱۶۵ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۵ دفترخانه ۲۲۱ تهران و اقرار نامه ۳۳۵۲۶ مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۱ دفترخانه ۱۰۲۱ تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۹۴۹۰۰۰۳ سری ب سال ۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۰۳۶۶۰۰۲۳۰۰۱۳۹۵۲ ثبت گردیده است. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی ان مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت فقط در یکتوبت در روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می شود تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات متقاضی تسلیم خواهد کرد.

کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کن تهران – علی زارعی فر

شناسه آگهی ۲۱۳۷۹۰۳

شناسنامه (برگ سبز) خودرو سواری سند مدل ۱۳۸۲ به رنگ بز بشماره موتور ۱۷۴۸۲۰۰۷۹۱ شماره شاسی INAY۲۸۳۰۸۲۷ بشماره انتظامی ی ۶۱۱ ای ۵۲ ایران ۱۹ بنام صدرا شکرلی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.
۱۲/۰ د

شناسنامه (برگ سبز) خودرو وانت پیکان ثبت ۰۰OHV به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۷ بشماره موتور۱۱۷۴۶۰۰۱۱۷۴ شماره شاسی ۱۱۷۸۲۰۰۱۱۷۴ بشماره انتظامی بنام ۹۹۴ خ ۳۱ ایران ۲۹ بنام فریبا عزیزلی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.
۱۴۰/ م

شناسه آگهی ۲۱۳۷۹۰۳

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای علیرضا ندری فرزند حسن وکالتا از طرف خانم شیرین امیر حمزه یگانه با ولایت ارسلان امیر حمزه یگانه طی وکالتنامه شماره ۵۸۸۲۵ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ دفترخانه ۷۰۱ تهران که در سامانه به ثبت رسیده است با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم دو برگ استشهادیه گواهی امضاء شده دفترخانه ۷۰۱ تهران طی درخواست وارده مورخ ۱۰۳۳۳۰۲۶ فرخ ۴/۱۱/۲۱ دفترخانه ۱۴۰ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده اند که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:

۱- نام و نام خانوادگی: خانم شیرین امیر حمزه یگانه با ولایت ارسلان امیر حمزه یگانه ک شش دانگ عرصه و اعیان

۲- شماره پلاک: ۲۳۶۶۵ فرعی از ۱۱۸ اصلی

۳- علت مفقود شدن: جایجایی

۴- خلاصه وضعیت مالکیت:

ششدانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی به پلاک ثبتی ۳۶۶۶۵ فرعی از ۱۱۸ اصلی فرغوز و مجزا شده از ۷۹۲ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱۷ واقع در شمالغرب طبقه پنجم و واقع در بخش ۱۱ تهران حوزه ثبت کن به مساحت ۸۲/۳۹ متر مربع که ۱/۹۱ یک متر و نود و یک دسیمتر مربع آن بالکن و بالکن پیشرفته ۳/۷۴ سه متر و هفتاد و چهار دسیمتر مربع آن پیشرفتگی است بانضمام انباری قطعه ۱۵ به مساحت ۱/۶۹ متر مربع و پارکینگ قطعه ۱۹ به مساحت ۱۰/۷۵ متر مربع مشخصات مالکیت:

مالکیت شیرین امیر حمزه یگانه با ولایت پدرش ارسلان امیر حمزه یگانه متولد ۱۳۸۷/۱۰/۱۰ صادره از تهران بشماره ملی ۰۰۲۶۳۲۰۰۶۲۲ مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستندمالکیت(صلح) ۳۳۱۶۲ تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۵ دفترخانه ۲۲۱ تهران و اقرار نامه ۳۳۵۲۵ مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۱ و سند صلح ۳۳۱۶۵ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۵ دفترخانه ۲۲۱ تهران و اقرار نامه ۳۳۵۲۶ مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۱ دفترخانه ۱۰۲۱ تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۹۴۹۰۰۰۳ سری ب سال ۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۰۵۴۴۵۰۰۳۲۰۰۱۳۹۵۲ ثبت گردیده است. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی ان مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت فقط در یکتوبت در روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می شود تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کن تهران – علی زارعی فر

شناسه آگهی ۲۱۳۷۹۰۳

اخبار

نتفلیکس از پیشنهاد خرید وارنر برادرز کنار کشید و راه را برای تصاحب پارامونت باز کرد

در یکی از مهم ترین تحولات اخیر صنعت رسانه و سرگرمی، نتفلیکس تصمیم گرفت از رقابت برای خرید شرکت وارنر برادرز دیسکاور کنار بکشد؛ تصمیمی که به سرعت مسیر را برای پیشروی پارامونت هموار کرد و توازن قدرت در هالیوود را در آستانه یک تغییر بزرگ قرار داد. این عقب نشینی در شرایطی رخ می دهد که طی ماه های گذشته گمانه زنی های زیادی درباره ادغام های بزرگ در صنعت استریم و رسانه مطرح شده بود و بسیاری از تحلیلگران، رقابت میان غول های فناوری و رسانه را به مرحله ای تازه تعبیر می کردند. اکنون با کنار رفتن نتفلیکس، فضای رقابت به شکل محسوسی تغییر کرده و احتمال شکل گیری یک ابرشرکت رسانه ای بیش از گذشته مطرح شده است.

به گزارش بی بی سی، نتفلیکس پس از بررسی های مالی و استراتژیک، به این جمع بندی رسیده که ورود به معامله ای با این ابعاد می تواند ریسک های جدی برای ساختار مالی و تمرکز عملیاتی این شرکت ایجاد کند. این شرکت که طی سال های اخیر به طور جدی بر توسعه محتوای اختصاصی و افزایش مشتریان جهانی تمرکز کرده، ترجیح داده به جای ورود به یک خرید پر هزینه، منابع خود را برای تقویت مزیت رقابتی در بازار استریم حفظ کند. در همین حال، پارامونت با ارائه پیشنهادی قوی تر و از نظر برخی تحلیلگران «جذاب تر»، توانسته جایگاه خود را در این رقابت تثبیت کند.

کناره گیری نتفلیکس تنها یک تصمیم مالی ساده نیست، بلکه نشان دهنده تغییر رویکرد این شرکت در مواجهه با موج جدید ادغام ها در صنعت رسانه است. در سال های اخیر، شرکت های بزرگ رسانه ای برای مقابله با افزایش هزینه تولید محتوا و رقابت شدید در جذب مخاطب، به سمت ادغام و ایجاد مقیاس بزرگ تر حرکت کرده اند. با این حال، نتفلیکس که مدل کسب و کار متفاوتی نسبت به شبکه های سنتی دارد، به نظر می رسد ترجیح داده از این روند فاصله بگیرد و به استراتژی مستقل خود ادامه دهد.

از سوی دیگر، پیشروی پارامونت می تواند به ایجاد یک بازیگر قدرتمند جدید در صنعت سرگرمی منجر شود؛ شرکتی که با ترکیب دارایی های محتوایی و شبکه های توزیع، توان رقابت بیشتری در برابر غول هایی مانند دیزنی و آمازون خواهد داشت. این تحول همچنین می تواند رقابت در بازار استریم را وارد مرحله تازه ای کند و حتی بر قیمت گذاری اشتراک ها و نوع محتوای تولیدی نیز اثر بگذارد.

در مجموع، کنار رفتن نتفلیکس از این معامله را می توان نشانه ای از احتیاط در برابر ادغام های پرریسک دانست؛ در حالی که سایر بازیگران صنعت، همچنان به دنبال گسترش مقیاس و سهم بازار هستند. این تصمیم ممکن است در کوتاه مدت محافظه کارانه به نظر برسد، اما در بلندمدت می تواند به حفظ انعطاف پذیری و تمرکز نتفلیکس در یک بازار به شدت رقابتی کمک کند.

اینفوگرافی امروز



نگاه

بلاک به دلیل بهره وری ناشی از هوش مصنوعی حدود ۴۰۰۰ نفر از کارکنانش را اخراج کرد

شرکت فناوری مالی بلاک، یکی از بازیگران مهم حوزه پرداخت دیجیتال، اعلام کرده است که حدود ۴۰۰۰ نفر از کارکنان خود را اخراج می کند؛ تصمیمی که به طور مستقیم با افزایش بهره وری ناشی از به کارگیری هوش مصنوعی مرتبط دانسته شده است. این تعدیل گسترده که نزدیک به نیمی از نیروی کار شرکت را شامل می شود، به سرعت به یکی از بحث برانگیزترین نمونه های تاثیر هوش مصنوعی بر بازار کار تبدیل شده و نگرانی ها درباره آینده اشتغال در عصر فناوری های نوین را تشدید کرده است.

به گزارش آسوشیتدپرس، مدیران بلاک تاکید کرده اند که استفاده گسترده از ابزارهای هوش مصنوعی و خودکارسازی فرآیندها، نیاز به نیروی انسانی در بسیاری از بخش ها را کاهش داده است. این شرکت که پیش تر با رشد سریع در دوران همه گیری کرونا مواجه شده بود، اکنون تلاش می کند ساختار خود را با شرایط جدید بازار و فناوری های پیشرفته هماهنگ کند. به گفته مدیرعامل، هدف اصلی این اقدام، افزایش کارایی، کاهش هزینه ها و تمرکز بر بخش های استراتژیک تر کسب و کار است.

تصمیم بلاک تنها به یک شرکت محدود نمی شود و بسیاری از تحلیلگران آن را نشانه ای از یک روند گسترده تر در اقتصاد جهانی می دانند. با پیشرفت سریع مدل های هوش مصنوعی، به ویژه در حوزه هایی مانند تحلیل داده، خدمات مشتری و حتی توسعه نرم افزار، بسیاری از وظایف که پیش تر توسط انسان انجام می شد، اکنون قابل خودکارسازی شده است. این موضوع باعث شده شرکت ها برای افزایش بهره وری و رقابت پذیری، به کاهش نیروی انسانی روی بیاورند.

در همین حال، واکنش بازار به این خبر جالب توجه بوده است. برخلاف نگرانی های اجتماعی، سهام بلاک پس از اعلام این تعدیل نیرو رشد قابل توجهی را تجربه کرده که نشان می دهد سرمایه گذاران، کاهش هزینه ها و افزایش بهره وری را به عنوان یک سیگنال مثبت ارزیابی می کنند. این شکاف میان نگاه بازارهای مالی و نگرانی های اجتماعی، یکی از چالش های اصلی اقتصاد دیجیتال به شمار می رود.

از سوی دیگر، کارشناسان هشدار می دهند که اگر این روند ادامه پیدا کند، بازار کار با تغییرات ساختاری عمیقی مواجه خواهد شد. مشاغلی که به مهارت های تکراری و قابل خودکارسازی وابسته هستند، بیش از سایر حوزه ها در معرض خطر قرار دارند و در مقابل، تقاضا برای مهارت های پیشرفته تر مانند توسعه هوش مصنوعی، تحلیل داده و مدیریت فناوری افزایش خواهد یافت.

در نهایت، تصمیم بلاک را می توان به عنوان یکی از اولین نمونه های ملموس «جایگزینی نیروی کار با هوش مصنوعی» در مقیاس بزرگ دانست؛ روندی که احتمالاً در سال های آینده شتاب بیشتری خواهد گرفت و نیازمند سیاست گذاری های جدید در حوزه آموزش و بازار کار خواهد بود.

مانیفست تیم های بازاریابی بدون مرز

یکپارچه به مشتری نبود، تیمی که مسئول تبلیغ یک برند شوینده در تلویزیون بود، ارتباط مستقیمی با تیمی که به نظرات مشتریان در مورد همان محصول در وب سایت یک خرده فروشی آنلاین پاسخ می داد، نداشت. این شرکت در نهایت مجبور به یک بازآفرینی سازمانی گسترده شد تا این سیلوها را شکسته و تیم های چندتخصصی را ایجاد کند که می توانند یک برند را به صورت ۲۴۰ درجه و در تمام نقاط تماس، از آگاهی اولیه تا خرید نهایی و وفاداری، مدیریت کنند. این تحول، گواهی بر این واقعیت بود که ساختار تیم، باید آینه ای از سفر مشتری باشد، نه یک چارت سازمانی انتزاعی.



معماری تیم های ماموریت گرا

اگر بازاریاب های ورزشکار، بازیکنان جدید ما هستند، پس ساختار تیمی جدید، زمین بازی آنهاست. به جای سازماندهی تیم ها بر اساس کانال ها (تیم ایمیل و تیم سئو) ما باید آنها را بر اساس ماموریت های مشتری محور سازماندهی کنیم. این یعنی ایجاد تیم های کوچک، مستقل و چندتخصصی که مالکیت یک بخش خاص از سفر مشتری یا یک هدف تجاری مشخص را برعهده دارند. برای مثال، «تیم آگاهی» می تواند مسئولیت تمام فعالیت هایی را که به معرفی برند به مخاطبان جدید منجر می شود، برعهده بگیرد و شامل متخصصانی از حوزه های محتوا، روابط عمومی و تبلیغات باشد. «تیم تبدیل»، مسئولیت بهینه سازی فرآیند تبدیل بازدیدکننده به مشتری را دارد و متشکل از متخصصان تجربه کاربری، بازاریابی ایمیلی و بهینه سازی نرخ تبدیل است. تیم حفظ مشتری بر روی افزایش وفاداری و تکرار خرید تمرکز می کند. این ساختار، به طور طبیعی سیلوها را می شکند و تضمین می

کند که تمام اعضای یک تیم، فارغ از تخصص شان، بر روی یک معیار موفقیت مشترک و مشتری محور همسو هستند. هاب اسپتای یکی از موفق ترین شرکت های نرم افزاری دنیا، سازمان بازاریابی خود را با الهام از همین فلسفه ساخته است. به جای یک دپارتمان بازاریابی یکپارچه و غول پیکر، آنها از مدل تیم های محصولی استفاده می کنند که در آن، تیم های کوچک و مستقل، مالکیت بخش های مختلف قیف بازاریابی را برعهده دارند. تیمی که مسئولیت وبلاگ هاب اسپتای را برعهده دارد، تنها برای تولید مقاله پاداش نمی گیرد،

سئو اجازه می دهد تا با یک طراح گرافیک به طور سازنده بحث کند. به جای آنکه تصمیمات براساس نظرات شخصی یا سلسله مراتب گرفته شود، براساس شواهد عینی گرفته می شود. وقتی تمام تیم های ماموریت گرا به یک منبع واحد از حقیقت دسترسی دارند و می بینند که چگونه تلاش های شان به طور مستقیم بر معیارهای سطح بالای کسب و کار تاثیر می گذارد، یک فرهنگ پاسخگویی و یادگیری مداوم ایجاد می شود. داده ها، حدس و گمان را از بین برده و به تیم اجازه می دهند تا به جای بحث بر سر اینکه چه کسی درست می گوید، بر روی اینکه چه چیزی برای مشتری درست کار می کند، تمرکز کنند.

روزنامه فایننشیال تایمز برای نجات خود از بحران صنعت رسانه، به طور کامل به این فرهنگ داده محور روی آورد. برای تغییر مدل کسب و کار از تبلیغات به اشتراک، این سازمان باید درک بسیار عمیقی از اینکه «چه چیزی باعث می شود یک خواننده مشترک وفادار باقی بماند؟» پیدا می کرد. آنها با تحلیل داده های گسترده، معیاری به نام شاخص مشارکت را توسعه دادند. این شاخص، به زبان مشترک تمام دپارتمان ها، از تحریریه و محصول گرفته تا بازاریابی تبدیل شد. یک نویسنده دیگر تنها برای تعداد بازدید مقاله اش پاداش نمی گرفت، بلکه براساس تاثیری که مقاله اش بر شاخص مشارکت خوانندگان داشت، سنجیده می شد. تیم بازاریابی نیز کمپین های خود را برای جذب خوانندگانی بهینه می کرد که داده ها نشان می داد احتمال مشارکت بالاتری دارند. این زبان داده مشترک، تمام سیلوها را در راستای یک هدف واحد، یعنی «خلق ارزش برای خواننده»، متحد کرد و به این روزنامه اجازه داد تا یکی از موفق ترین تحولات دیجیتال در تاریخ رسانه را رقم بزند.

سخن پایانی

بازاریابی بی نهایت یک تاکتیک یا یک ساختار سازمانی مد روز نیست، بلکه یک تغییر پارادایم فلسفی است. این یک پذیرش عمیق از این واقعیت است که در دنیای مدرن، ساختار ما باید از سفر مشتری پیروی کند، نه برعکس. این به معنای ارزش نهادن به ورزشکاران تطبیق پذیر بر متخصصان تک بعدی، طراحی تیم های ماموریت گرا بر سیلوهای وظیفه محور و حاکم کردن زبان عینی داده بر نظرات شخصی است. ساختن چنین سازمانی، آسان نیست. این کار، نیازمند شجاعت برای کنار گذاشتن چارت های سازمانی آشنا و راحت و استقبال از یک دنیای به ظاهر آشفته تر، اما بی نهایت پویاتر است اما رهبران تجاری که این مسیر را انتخاب می کنند، نه تنها یک دپارتمان بازاریابی بهتر، بلکه یک مزیت رقابتی پایدار و تکامل پذیر را در دل کسب و کار خود معماری خواهند کرد که قادر است در هر زمینی و در هر بازی، برنده باشد.

منابع: